

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال بیست و دوم، شماره ۸۶، تابستان ۱۳۹۳

بررسی سیاست‌های مرزی محصولات باغی در ایران و کشورهای منتخب

ناصر شاهنوشی^۱، افشین امجدی^۲، سمانه شاه‌حسین دستجردی^۳، رؤیا محمدزاده^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۸

چکیده

تحقیق حاضر به مطالعه تطبیقی سیاست‌های حمایت تجاری محصولات باغی در ایران و کشورهای منتخب چین، هند، آمریکا، اتحادیه اروپا و ترکیه طی دهه اخیر می‌پردازد. به منظور بررسی بیشتر تأثیر سیاست‌های مرزی بر روند تجارت محصولات باغی در ایران، توابع صادرات و واردات محصولات باغی با استفاده از روش ARDL برآورد شد. نتایج مطالعه نشان داد که ایران در مقایسه با سایر کشورهای مورد مطالعه از ابزارهای کمتری برای گسترش صادرات محصولات باغی استفاده می‌کند. همچنین در نظام تعرفه‌ای ایران، از ابزارهای متنوع برای کنترل واردات محصولات باغی استفاده نمی‌شود. این در حالی است که سایر کشورهای

۱. استاد گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

e-mail: naser.shahnoushi@gmail.com

۲. مدیر گروه پژوهشی امنیت غذایی و خودکفایی مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه

روستایی

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد

۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی دانشگاه شیراز

مورد بررسی از ابزارهای بیشتری برای کنترل واردات استفاده می‌کنند. بر اساس نتایج برآورد تابع واردات محصولات باغی، متغیرهای نرخ ارز واقعی، تولید داخلی محصولات باغی و تعرفه تأثیر معنی‌دار بر واردات محصولات باغی به ایران در بلندمدت و کوتاه‌مدت دارند. در کوتاه‌مدت، علاوه بر متغیرهای مذکور، متغیر نسبت قیمت وارداتی محصولات باغی جهان به ایران دارای تأثیر آماری معنی‌دار بر واردات محصولات باغی است. تخمین تابع صادرات محصولات باغی نشان داد که متغیرهای نرخ ارز واقعی، نسبت قیمت صادرات جهانی به داخلی محصولات باغی و شاخص آزادسازی تجاری تأثیر معنی‌دار بر صادرات محصولات باغی در بلندمدت و کوتاه‌مدت دارند. در بلندمدت، متغیر تولید داخلی محصولات باغی نیز دارای تأثیر معنی‌دار بر میزان صادرات محصولات باغی است.

طبقه‌بندی JEL: L11

کلید واژه‌ها:

تجارت، حمایت، کشاورزی، محصولات باغی، ایران

مقدمه

در بین محصولات کشاورزی، محصولات باغی ۲/۶ میلیون هکتار سطح زیر کشت و میزان تولید ۱۳/۴ میلیون تن در سال ۱۳۸۷، بیش از ۲۵ درصد ارزش افزوده محصولات کشاورزی و ۳۰ درصد اشتغال بخش کشاورزی کشور را به خود اختصاص داده است. همچنین ۸۰ درصد ارزش صادرات کشاورزی ایران مربوط به محصولات باغی همچون پسته، خرما، بادام، انگور و سیب می‌باشد (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۸). با این حال، میزان حمایت از این محصولات همانند سایر محصولات کشاورزی پایین بوده (واعظی و یزدانی، ۱۳۸۶) و در سال‌های اخیر، در مورد برخی محصولات همچون خرما، کاهش یافته است (سلیمانی و حاجی‌زاده، ۱۳۸۹). همچنین هزینه‌های تولید بالا و کیفیت پایین محصولات باغی، سبب کاهش قدرت رقابتی

بررسی سیاست‌های مرزی

محصولات باغی ایران در بازارهای داخلی و جهانی شده است. از این رو، مزیت نسبی صادرات آن‌ها در بازارهای جهانی از بین رفته است. مسئله مذکور، ضرورت توجه بیشتر سیاست‌گذاران و حمایت بیشتر آن‌ها از محصولات زیربخش باغبانی را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

با توجه به اهمیت سیاست‌های حمایت تجاری و تأثیر قابل توجه آن‌ها بر رشد و توسعه بخش کشاورزی، مطالعات متعددی در این زمینه صورت گرفته است. سلیمانی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای، زیربخش باغبانی در برنامه چهارم توسعه کشور را مورد ارزیابی قرار داد. در این تحقیق مشخص شد، دولت ایران طی سال‌های اخیر از طریق تعرفه ورودی محصولات کشاورزی، به خصوص میوه‌های خوراکی، به عنوان ابزاری برای حمایت از مصرف‌کنندگان و تنظیم بازار استفاده کرده است. این در حالی است که سیاست‌های حمایت از تولید و صادرات به موازات آن افزایش نیافته است. دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی ایران (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای، اثربخشی یارانه‌های صادراتی را، که برای نخستین بار در برنامه سوم توسعه مدنظر قرار گرفت، مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد طی سال‌های اخیر پرداخت یارانه به محصولات مورد نظر، از جمله کشمش، هیچ‌گاه از یک روند مشخص و باثبات پیروی نکرده و غالباً این پرداخت به صورت مقطعی و موردی بوده است. فریادرس و مقدسی (۱۳۸۳) در بررسی نظام تعرفه بخش کشاورزی ایران طی دوره ۱۳۶۱-۱۳۸۲، به این نتیجه رسیدند که به‌رغم سطح بالای تعرفه محصولات کشاورزی، این ابزارها قادر به حمایت مؤثر از تولیدات داخلی نبوده است. برادران نصیری و امامی (۱۳۸۸) در مطالعه خود، نظام تعرفه در ایران و آثار آن بر تولیدات بخش کشاورزی در زیربخش‌های مختلف را ارزیابی نمودند. نتایج این تحقیق نشان داد عدم تناسب نظام تعرفه‌ای با ساختار تولید و بازار و همچنین ضعف در بهره‌گیری از ابزارهای تعرفه‌ای و موانع غیرتعرفه‌ای مجاز در خصوص کالاهای کشاورزی از مهم‌ترین علل ناکارآمدی سیاست‌های حمایتی در سال‌های اخیر بوده است. جدل و همکاران (۲۰۰۳) در مطالعه خود به بررسی اثر بازار جهانی انبه بر رفاه مردم در کشورهای در حال توسعه با استفاده از مفهوم الگوی تجارت بین منطقه‌ای پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد جایگاه واقعی صادرات انبه با کاهش تعرفه‌ها به دست می‌آید. همچنین کاهش تعرفه‌های صادراتی باعث افزایش تولید

و تجارت انبه شده و رفاه عمومی را در مجموع افزایش داده است. جانسون (۲۰۱۰) در مطالعه خود اذعان داشت تعرفه‌های کمتر بر واردات میوه و سبزی آمریکا و تعرفه‌های نسبتاً بالاتر بر صادرات آمریکا به کشورهای دیگر بر رشد واردات این محصولات در آمریکا دلالت دارد. رابرتس و کریسوف (۲۰۰۴) در خصوص موانع قانونی در بازارهای جهانی محصولات باغی خاطر نشان کردند معیارهای بهداشتی پذیرفته شده کشورها می‌تواند الگوی تجارت محصولات باغی را از طریق افزایش هزینه‌های واردات یا ممنوعیت ورود آنها تحت تأثیر قرار دهد. سیوفی و آکویلا (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای، تأثیر یارانه‌های مذکور بر صادرات اتحادیه اروپا را طی دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۱ بررسی کردند و نشان دادند یارانه‌های صادراتی قادر به تقویت صادرات کشاورزی نیست.

ماگو (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تعیین کننده‌های عرضه صادرات محصولات عمده کشاورزی کنیا از سال ۱۹۶۳ تا ۲۰۱۲» به برآورد تابع صادرات محصولات پرداختند. نتایج نشان داد که نرخ ارز دارای تأثیر معنادار بر عرضه صادرات چای و همچنین محصولات باغی است. این در حالی است که نرخ ارز تأثیر معنادار بر عرضه صادرات قهوه نشان نداشت. ظرفیت تولید، که به جای آن از تولید ناخالص داخلی استفاده گردید، تأثیر معنادار بر صادرات چای، قهوه و کل بخش باغی دارد. متغیر دامی پدیده‌النینو^۱ و متغیر آزادسازی تجاری فاقد تأثیر معنادار بر عرضه صادرات کل محصولات باغی است.

در یک نگاه کلی می‌توان به مطالعات بسیاری دست یافت که به نحوی به ساختار سیاست‌های حمایت تجاری اشاره نموده‌اند. با این حال، لازم به نظر می‌رسد تحقیقات بیشتر و دقیق‌تری در این خصوص با نگاهی ویژه به تجربیات سایر کشورها صورت پذیرد، به خصوص اینکه همواره میان سطح و سرعت پیشرفت کشاورزی کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته شکاف قابل توجهی وجود داشته است. در همین راستا، این مطالعه با هدف بررسی وضع سیاست‌های حمایتی تجاری از محصولات باغی در ایران و نیز کشورهای منتخب شکل گرفته است.

مواد و روش‌ها

در مطالعه حاضر سیاست‌های حمایت تجاری ایران در کنار سیاست کشورهای مهم در تجارت محصولات باغی از جمله چین، هند، آمریکا، اتحادیه اروپا و نیز کشور ترکیه، که از ساختاری مشابه با بخش کشاورزی ایران برخوردار است، طی دهه اخیر مورد تحلیل و مقایسه قرار می‌گیرد. به منظور تحلیل دقیق‌تر موضوع، الگوهای واردات و صادرات محصولات باغی ایران نیز برآورد و بررسی شد.

به طور کلی، صادرات یک محصول از قیمت داخلی و قیمت جهانی آن محصول، درآمد کشور واردکننده آن محصول، تولید داخلی محصول مورد نظر و نرخ ارز اثر می‌پذیرد. ولی در حالت کلی ممکن است متغیرهای موجود در تابع صادرات برای یک محصول در اثر وجود شرایط خاص برای آن محصول و یا قوانین و مقررات حاکم بر بازار اضافه و یا حذف شود (نوری و یزدانی، ۱۳۷۹). تابع صادرات مورد نظر در مطالعه حاضر به صورت زیر در نظر گرفته شد:

$$Q_x = f(Exr, P_x, Y, GLB, Pr) \quad (1)$$

در رابطه فوق، Q_x کل مقدار صادرات محصولات باغی (هزار تن)، P_x نسبت قیمت صادراتی محصولات باغی در جهان^۱ به قیمت صادرات ایران^۲ می‌باشد. همچنین Y تولید ناخالص داخلی واقعی (میلیارد ریال)، Exr نرخ ارز واقعی، Pr تولید محصولات باغی در ایران و GLB شاخص آزادسازی تجارت است. تابع واردات محصولات باغی نیز به صورت زیر در نظر گرفته شد:

$$Q_m = f(Exr, P_m, Y, GLB, Pr, T) \quad (2)$$

در رابطه بالا، Q_m کل مقدار واردات محصولات باغی (هزار تن)، T میزان تعرفه، P_m نسبت قیمت واردات جهانی محصولات باغی^۳ به قیمت واردات محصولات باغی به ایران^۴، Y

۱. حاصل تقسیم کل ارزش صادرات محصولات باغی جهان بر کل مقدار آن

۲. حاصل تقسیم کل ارزش صادرات محصولات باغی ایران بر کل مقدار آن

۳. حاصل تقسیم کل ارزش واردات باغی جهان بر کل مقدار آن

۴. حاصل تقسیم کل ارزش واردات باغی ایران بر کل مقدار آن

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و دوم، شماره ۸۶

تولید ناخالص داخلی واقعی (میلیارد ریال)، EXR نرخ ارز واقعی، Pr تولید محصولات باغی در ایران و GLB شاخص آزادسازی تجارت است. به منظور محاسبه نرخ ارز واقعی از رابطه زیر استفاده گردید:

$$EXR = \frac{NER * CPI^D}{CPI^F} \quad (3)$$

که در آن EXR نرخ ارز واقعی، CPI^D شاخص قیمت مصرف کننده داخلی و CPI^F شاخص قیمت مصرف کننده خارجی می باشد.

معیار اندازه جهانی شدن

به طور کلی، دو شاخص پر کاربرد در زمینه اندازه جهانی شدن، شاخص سطح تجارت بین المللی (LIT)^۱ و شاخص ادغام تجاری (IIT)^۲ می باشد (نوری و یزدانی، ۱۳۷۹). از میان شاخص های باز بودن تجاری، برخی مختص مطالعات بین کشوری است و برخی تنها کاهش موانع بر سر راه صادرات را مورد توجه قرار می دهند که برای مطالعه کشورهای جهان سوم مناسب به نظر نمی رسند؛ زیرا در کشورهای جهان سوم باز و بسته بودن تجاری به مفهوم رفع موانع موجود در مسیر واردات کالاها و خدمات است و نه صادرات و اقتصادهای بسته تر. با توجه به موارد یاد شده و عدم دسترسی به آمار و اطلاعات سری زمانی، مناسب ترین معیار برای کمی سازی شدت جهانی شدن در ایران نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید به نظر می رسد. این شاخص ساده ترین و معمول ترین شاخص اندازه گیری باز بودن تجارت

است (طیب نیا و زندیه، ۱۳۸۸). شاخص مذکور به صورت زیر محاسبه می شود:

$$GLB = \frac{Qm + Qx}{Y} \quad (4)$$

اجزای رابطه فوق قبلاً معرفی شده اند.

1. Level of International Trade
2. Integration of International Trade

بررسی سیاست‌های مرزی

به منظور برآورد الگوی صادرات و واردات محصولات باغی، با توجه به درجه ایستایی متغیرها، از روش ARDL استفاده شد. مزیت عمده این استراتژی آن است که می‌توان آن را بدون توجه به مانا بودن متغیرها در سطح یا مانا بودن پس از یک بار تفاضل‌گیری به کار گرفت و این مزیت باعث عدم مواجهه با مشکل تفکیک متغیرها به گروه‌های هم‌جمع مانا در سطح و مانا پس از یک بار تفاضل‌گیری - که در تحلیل هم‌جمعی استاندارد اهمیت دارد - می‌شود (پسران و شین، ۱۹۹۹). این روش توانایی برآورد هم‌زمان اجزای کوتاه مدت و بلندمدت را بطور دارد و در ضمن به دلیل اینکه این مدل‌ها عموماً عاری از مشکلاتی چون خودهمبستگی سریالی و درون‌زایی است، برآوردهای به دست آمده از آن‌ها ناریب و کارا خواهد بود (سیدیکی، ۲۰۰۰). به طور کلی، فرایند مدل‌سازی الگوی ARDL شامل سه مرحله است: ۱. طول وقفه‌ها با استفاده از یکی از معیارهای شوارتز-بیزین (SBC)، آکائیک (AIC) یا حنان-کوئین (HQC) تعیین می‌شود. ۲. وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها مورد آزمون می‌شود. ۳. در صورت تأیید وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها در مرحله قبل، در این مرحله، ضرایب الگو در بلندمدت برآورد می‌شود (پسران و شین، ۱۹۹۹).

مقدار و ارزش صادرات و واردات محصولات باغی و میزان تولید محصولات باغی در ایران در طول دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۹ از پایگاه اینترنتی فائو اخذ شد. همچنین نرخ ارز رسمی، شاخص قیمت مصرف‌کننده و تولید ناخالص داخلی از بانک مرکزی ایران جمع‌آوری شد. برآورد الگوهای مورد نظر با استفاده از نرم‌افزارهای Eviwes5 و Microfit انجام گرفت.

نتایج و بحث

در ابتدا گفتنی است که سیاست‌های تجاری به مجموعه سیاست‌هایی اطلاق می‌گردد که دولت با قیمت‌گذاری، وضع تعرفه یا سایر محدودیت‌های تجاری، بر واردات، صادرات و قیمت محصولات کشاورزی تأثیر می‌گذارد. پرداخت یارانه صادراتی راهکاری مؤثر در توسعه صادرات محسوب می‌شود که به شرایط اقتصادی و بازارهای هدف بستگی دارد. حمایت مذکور شامل تمام پرداخت‌های مستقیم و یا اعطای معافیت‌های مالیاتی، پرداخت وام

به صادر کنندگان بالقوه و بالفعل می‌باشد. حتی وام‌های کم‌بهره اختصاص یافته به خریداران خارجی به منظور رونق صادرات نیز نوعی یارانه صادراتی محسوب می‌شود (محمودی و کاظم‌نژاد، ۱۳۸۳). در این ادامه، به بررسی سیاست‌های مذکور در خصوص محصولات باغی ایران و کشورهای منتخب طی دهه اخیر پرداخته می‌شود.

۱. چین

در سال ۲۰۰۱، کشور چین به سبب تعهداتش در سازمان تجارت جهانی، مواردی را قبول نمود که برخی از آن‌ها در خصوص محصولی خاص هستند. چین می‌بایست کلیه یارانه‌های صادراتی را به تدریج حذف نماید و هیچ یارانه صادراتی را برای محصولات کشاورزی در آینده معرفی نکند. یارانه‌های مذکور به سبب حمایت از قیمت‌های داخلی، نقش مهمی در کمک به صادرات محصولات کشاورزی به بازارهای بین‌المللی دارند. لذا یارانه‌های صادراتی در چین که تنها برای دو محصول ذرت و پنبه پرداخت می‌شد، به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴ حذف شد (هوآنگ و روزل، ۲۰۰۲؛ هوآنگ و همکاران، ۲۰۰۵). چین از سهمیه‌های صادراتی جهانی به عنوان یکی از ابزارهای صادراتی استفاده می‌کند. در سال ۲۰۰۷، سهمیه‌های صادراتی جهانی در خصوص محصول چای به کار گرفته شد (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۹).

تعرفه‌های وارداتی چین برای اکثر میوه‌ها و سبزیجات، قبل از الحاق آن به سازمان تجارت جهانی، ۳۰ یا ۴۰ درصد گزارش شده است. اما اکنون که چین به عضویت در این سازمان رسیده است، عوارض گمرکی بر مبنای ارزش در سال ۲۰۰۴، برای سیب و گلابی ۱۰ درصد، انگور ۱۳ درصد و مرکبات ۱۲ درصد می‌باشد. تعرفه مربوط به اکثر میوه‌ها و سبزیجات فرآوری شده نیز کاهش داشته است (شیلدز و هوآنگ، ۲۰۰۴). برخی اوقات، تعرفه برای ایجاد تعادل بین تقاضا و عرضه داخلی تعدیل می‌شود؛ برای مثال، در جهت برآورد تقاضای بالای مصرف کنندگان و جبران کمبودهای عرضه پس از زمین‌لرزه ماه می سال ۲۰۰۸، تعرفه‌های فصلی برای کالاهای اساسی کاهش یافت. در میان محصولات باغی که از اول ژوئن تا ۳۰

بررسی سیاست‌های مرزی

سپتامبر سال ۲۰۰۸ با کاهش تعرفه مواجه شدند می‌توان به پسته و نارگیل اشاره کرد (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۹).

۲. هند

در دهه ۱۹۹۰، اقتصاد هند وارد مرحله جدیدی از انتقال گردید و اصلاح سیاست‌های حمایت داخلی و تجاری منجر به رشد سریع درآمدها و نیز تجارت خارجی گردید. اصلاحات تجاری پس از دور اروگوئه صورت گرفت و در ابتدا، آزادسازی تجاری محصولات کشاورزی در سال ۱۹۹۷ اتفاق افتاد که در آن، محدودیت‌های کمی واردات افزایش یافت. در سال ۱۹۹۹، محدودیت‌های کمی واردات برای حدود ۴۷۰ محصول کشاورزی حذف شد و سرانجام در سال ۲۰۰۱، دولت محدودیت‌های مذکور را به‌طور کامل حذف نمود. هر چند میزان تعرفه‌های تثبیت شده هنوز زیاد است، تعرفه‌های کاربردی برای افزایش واردات برخی از محصولات کشاورزی مناسب می‌باشد. در بین این محصولات می‌توان به برخی از محصولات باغی و فراورده‌های آن از جمله سیب اشاره نمود (دژودهار و همکاران، ۲۰۰۶؛ لاندس و بارفیش، ۲۰۰۹). جدول ۱ تعرفه‌های کاربردی پر میوه‌های تازه هند (که بر مبنای ارزش است) را در سال ۲۰۰۴ نشان می‌دهد. نرخ تعرفه مربوط به اکثر محصولات مذکور ۳۰ درصد می‌باشد. بیشترین تعرفه نیز به محصول سیب با نرخ ۵۰ درصد تعلق دارد که هند همراه با ترکیه از جمله کشورهایی هستند که بیشترین تعرفه را بر این محصول در نظر گرفته‌اند (دژودهار، ۲۰۰۵).

جدول ۱. تعرفه‌های وارداتی کاربردی میوه‌های تازه منتخب هند در سال ۲۰۰۴

محصول	نرخ (درصد)	محصول	نرخ (درصد)
سیب	۵۰	گلابی	۳۵
موز	۳۰	توت‌فرنگی	۳۰
گریپ‌فروت	۲۵	انبه	۳۰

مأخذ: دژودهار (۲۰۰۵)

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و دوم، شماره ۸۶

صادرکنندگان محصولات کشاورزی در این کشور یارانه‌های صادراتی مستقیمی را دریافت نمی‌کنند. این یارانه‌ها می‌تواند به صورت کمک به حمل و نقل صادرات، فراهم نمودن زیرساخت‌های عمومی برای استفاده عموم، معیارهای ایجاد کیفیت و اطمینان، تضمین اعتبار و بیمه به صادرکنندگان فراهم شود. یارانه صادراتی به صورت معافیت سود صادراتی حاصل از مالیات درآمدي و یارانه بر هزینه ترابری کالاهای مشخصی همچون میوه‌ها، سبزیجات و گل‌ها ارائه می‌شود (مالیک، ۲۰۰۶). برنامه کمک به حمل و نقل توسط مرجع توسعه صادرات محصولات غذایی کشاورزی و فراوری شده (APEDA)^۱ جهت ترابری حداکثر ۲۵ درصد کالا فراهم می‌گردد. در مجموع، سطح یارانه بر صادرات هند بسیار اندک بوده و در سال‌های اخیر روند کاهشی داشته است (مالیک، ۲۰۰۶). جدول ۲ یارانه صادراتی توسط دولت هند را در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ نشان می‌دهد.

جدول ۲. یارانه صادراتی محصولات کشاورزی هند

سال	محصولات	میزان (میلیون دلار آمریکا)
۱۹۹۹	میوه‌ها و سبزی‌های تازه، گل‌ها و تولیدات طیور	۲/۳۳
۲۰۰۰	میوه‌ها و سبزی‌های تازه، گل‌ها و تولیدات طیور	۱/۱۰

مأخذ: مالیک (۲۰۰۶)

۳. آمریکا

یارانه صادراتی خصوصیت رایج سیاست کشاورزی آمریکا به شمار می‌رود. بر اساس لایحه کشاورزی آمریکا در سال ۲۰۰۸، مهم‌ترین برنامه یارانه صادراتی آمریکا با نام برنامه افزایش صادرات^۲ حذف گردید و به جای آن، دو برنامه تضمین اعتبار صادراتی^۳ اعمال گردید. هدف از برنامه افزایش صادرات، کمک به کشاورزان و ارائه یارانه به آن‌ها (بیشتر محصول

1. Agricultural & Processed Food Products Export Development Authority
2. Export Enhancement Program
3. Export Credit Guarantees Program

بررسی سیاست‌های مرزی

گندم) جهت رقابت با صادرات کشورهای دیگر (از جمله اتحادیه اروپا) بود. بر اساس این برنامه، سازمان کشاورزی آمریکا پاداش‌های نقدی به صادرکنندگان پرداخت می‌کرد و به آن‌ها این فرصت را می‌داد محصولات کشاورزی آمریکا را در کشورهای هدف با قیمت‌های کمتر از هزینه‌های واردشده بر تولید این محصولات به فروش برسانند. اهداف اصلی این برنامه توسعه صادرات کشاورزی آمریکا و مقابله با روش‌های ناعادلانه تجارت بود و لایحه کشاورزی آمریکا در سال ۲۰۰۲، بودجه ۴۷۸ میلیون دلاری را سالانه تا ۲۰۰۷ برای برنامه افزایش صادرات تصویب کرده بود. برنامه مذکور به سبب مقابله با سیاست‌های ضدتجاری همچون برچسب‌زنی، محدودیت‌های بهداشتی و بهداشت گیاهی، و انحصار فعالیت‌های تجاری طراحی شده بود. برنامه مذکور اغلب برای محصولات خاص (سیب، پرتقال، گریپ‌فروت، انگور و موز) به کار برده نمی‌شد (کابانلیلا، ۲۰۰۶؛ واهل و همکاران، ۲۰۰۶؛ هو و آتراهان، ۲۰۱۰).

برنامه‌های تضمین اعتبار صادراتی فروش‌های تجاری محصولات کشاورزی آمریکا را تسهیل می‌کند. تخصیص‌ها بر پایه محصول و منطقه صورت می‌گیرد. تضمین‌های مذکور برای محصولات خاص در اکثر مناطق بزرگ آمریکا، ۱۰ میلیون دلار در نظر گرفته می‌شود (واهل و همکاران، ۲۰۰۶).

برنامه دسترسی به بازار^۱ جهت حفظ و توسعه بازار محصولات کشاورزی در آمریکا طراحی شده است. این برنامه پرداخت‌هایی را به منظور تقسیم کردن هزینه‌های بازاریابی برون مرزی با سازمان بازرگانی، گروه‌ها و تعاونی‌های کشاورزی منطقه‌ای ارائه می‌دهد. در سال ۲۰۰۴، بیشترین پرداخت این برنامه برای محصولات خاص به مرکز مرکبات فلوریدا به میزان تقریباً ۴/۵ میلیون دلار تعلق گرفت. اما دیگر بازارهای این محصولات خاص نیز کمک دریافت نموده‌اند. کمک فنی برای محصولات خاص^۲ نیز یک برنامه کمک صادراتی آمریکا می‌باشد و محدودیت‌های منحصر به فردی را مورد توجه قرار می‌دهد که مانع یا تهدیدکننده

1. Market Access Program
2. Aechanical Assistance for Specialty Crops

صادرات این محصولات است. لایحه کشاورزی آمریکا سالانه دو میلیون دلار برای این برنامه اختصاص می‌دهد (واهل و همکاران، ۲۰۰۶).

گفتنی است دو نوع خاص از توافق‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی در رابطه با سلامت غذایی و سلامت حیوان و گیاه وجود دارد که شامل توافق‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی (SPS)^۱ و توافق‌نامه موانع فنی تجاری (TBT)^۲ می‌شود. توافق‌نامه SPS برای حفاظت دام و گیاه از بیماری‌ها و آفات و نیز برای حفاظت انسان‌ها از آفات و بیماری‌های نباتی و دامی و خطرات غذایی تهیه شده است. توافق‌نامه TBT مقررات فنی، استانداردهای اختیاری و روش‌های مرتبط با سلامت، بهداشت، رفاه دام و مقررات محیطی را پوشش می‌دهد. الزامات واقعی SPS/TBT به گروه‌های اصلی مختلفی طبقه‌بندی می‌شود، که بسته به نوع کالا و نیز کشور واردکننده، تفاوت قابل توجهی دارد (جانسون، ۲۰۰۸).

در میان مثال‌های بسیار معمول از الزامات SPS/TBT می‌توان به محدودیت‌های صادرات و واردات محصول به سبب آفات، بیماری‌ها و الزامات خاص پس از برداشت و ضدعفونی اشاره کرد. در سال‌های اخیر از جمله مواردی که باعث محدودیت صادرات محصولات باغی آمریکا به سایر کشورها شده است، الزامات بهداشت نباتی، پروتکل‌های سلامت غذایی و استانداردهای بازاریابی است. موانع تجاری غیر تعرفه‌ای مسئله مهمی برای تولیدکنندگان محصولات و فراورده‌های باغی آمریکا به شمار می‌رود؛ برای مثال، توافق‌نامه تجاری آزاد آمریکا با کره (U.S.-Korea FTA) که اخیراً مورد مذاکره قرار گرفته است، علی‌رغم آزادسازی تعرفه و افزایش در سهمیه‌های نرخ تعرفه، به دلیل موانع بهداشت نباتی صادرات بسیاری از میوه‌های مهم و تازه مانند سیب، گلابی، هلو و مرکبات از آمریکا به کره محدود شده است. محدودیت‌های مشابه و موانع فنی دیگری نیز صادرات محصولات باغی آمریکا را به شرکای تجاری مهم این کشور مانند آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، چین،

1. Agreement on Sanitary and Phytosanitary
2. Agreement on Technical Barriers to Trade

بررسی سیاست‌های مرزی

اتحادیه اروپا، هند، اسرائیل، ژاپن، کره، مکزیک، زلاندنو، آفریقای جنوبی، تایوان و ونزوئلا محدود کرده است.

گفتنی است همان طور که بسیاری از شرکای تجاری آمریکا به موضوع بهداشت نباتی و سایر الزامات فنی دیگر اهمیت داده‌اند، موانعی نیز واردات محصولات مشابه را از سایر کشورها به آمریکا محدود می‌کند. اداره خدمات بازرسی سلامت حیوان و گیاه آمریکا (APHIS)^۱، وابسته به سازمان کشاورزی این کشور، واردات محصولات تازه را از طریق وضع قوانین واردات، بازرسی و گواهینامه بهداشت نباتی تنظیم می‌کند. همچنین واردات آمریکا در مورد برخی از محصولات باغی تازه نیاز به تصویب مقامات بازاریابی فدرال دارد (جانسون، ۲۰۰۸).

هر چند آمریکا موانع بهداشتی و بهداشت گیاهی قابل توجهی را بر واردات محصولات خاص (سیب، پرتقال، گریپ‌فروت، انگور و موز) ندارد، موانع تعرفه‌ای برای برخی از این محصولات از جمله انگور، گریپ‌فروت و پرتقال وجود دارد (واهل و همکاران، ۲۰۰۶). تعرفه‌های کاهش‌ی برای واردات محصولات باغی آمریکا همراه با تعرفه‌های نسبتاً بالا برای صادرات این کشور به سایر کشورها، بیانگر نابرابری رشد صادرات محصولات مذکور در آمریکا با رشد واردات است. سازمان کشاورزی آمریکا گزارش می‌دهد که میانگین تعرفه جهانی برای میوه‌ها و سبزیجات بیش از ۵۰ درصد ارزش واردات است. اما در آمریکا، حدود ۶۰ درصد از تعرفه‌ها بر این محصولات کمتر از ۵ درصد است. در اتحادیه اروپا و ژاپن بیش از ۶۰ درصد تعرفه واردات بین ۵-۲۵ درصد متغیر است. همچنین در کشورهای مذکور، قریب به ۲۰ درصد تعرفه‌ها بیش از ۲۵ درصد است. در برخی کشورهای در حال توسعه، تعرفه واردات اغلب بیشتر است و افزون بر ۸۰ درصد تعرفه‌ها بین بیش از ۲۵ درصد تا بالای ۱۰۰ درصد متغیر می‌باشد. کشورهای چین، مصر، هند، کره و تایلند تعرفه‌های نسبتاً بالایی را بر واردات سبزی و میوه شامل اعمال می‌کنند (جانسون، ۲۰۱۰). جدول ۳ تعرفه وارداتی محصولات انگور، گریپ‌فروت و پرتقال را در آمریکا نشان می‌دهد.

1. Animal and Plant Health Inspection Service (APHIS)

اکثر کشورهای عمده صادرکننده محصولات باغی به آمریکا از ترجیحات تجاری برخوردار هستند. این ترجیحات می‌تواند یک توافق‌نامه تجارت آزاد موجود (کانادا، شیلی، هندوراس، مکزیک و گواتمالا) و یا یک توافق‌نامه تجارت آزاد مذاکره‌ای (کلمبیا، کاستاریکا، پرو و تایلند)، و یا انواع دیگر ترتیبات ترجیحی (آرژانتین، برزیل، کاستاریکا، اکوادور، پرو و تایلند) باشد. چنین ترجیحات تجاری شرایطی را فراهم می‌کند تا واردات به آمریکا با نرخ‌های کاهشی تعرفه‌ها همراه باشد و یا اینکه حتی معاف از حقوق گمرکی باشد. مسئله مذکور موجب می‌شود هزینه‌های تولید محصولات باغی در کشورهای عرضه‌کننده در مقایسه با آمریکا کمتر باشد. بسیاری از کشورهایی که عضو برنامه ترجیحی تجاری با آمریکا هستند، محصولاتی مانند موز و سایر میوه‌های گرمسیری را عرضه می‌کنند که در آمریکا کمتر تولید می‌شود. همچنین اکثر کشورهای میوه‌های خارج از فصل آمریکا را تأمین می‌کنند. مسائل فوق موجب شده است در حال حاضر سهم فزاینده واردات، با محصولات تولید داخلی در سراسر سال رقابت کند (جانسون، ۲۰۱۰).

با پذیرش توافق‌نامه تجارت آزاد امریکای شمالی، منافع قابل توجهی در تجارت میان آمریکا، کانادا و مکزیک ایجاد شده است. با این توافق‌نامه تعرفه‌ها برای محصولات خاص به‌طور مرحله‌ای کنار گذاشته شده و یا تحت پوشش نرخ تعرفه سهمیه‌ای و فصلی قرار گرفته است. از زمان پذیرش این توافق‌نامه در سال ۱۹۹۴، حجم واردات آمریکا از مکزیک در مورد برخی از محصولات دو و یا حتی سه برابر شده است. همچنین از زمان پذیرش توافق‌نامه تجارت آزاد آمریکا-شیلی در سال ۲۰۰۴، حجم واردات برخی از محصولات و فراورده‌های باغی آمریکا از شیلی افزایش یافته است. در این میان، می‌توان به محصولات انگور، کشمش، گیلاس، توت‌فرنگی، گلابی، کیوی، مرکبات، آب سیب و آب انگور اشاره کرد. برخی از تولیدکنندگان در آمریکا نگران این موضوع هستند که توافق‌نامه‌های تجارت آزاد اجازه دسترسی بیشتر کشورها را به بازار محصولات باغی آمریکا می‌دهد بدون اینکه دستیابی آمریکا به بازارهای خارجی را در شرایطی برابر و یکسان فراهم نماید. این گروه از تولیدکنندگان

بررسی سیاست‌های مرزی

معتقدند با هر توافق‌نامه تجارت آزاد، بخش‌های تولیدی در این کشور به سبب واردات بیشتر، قیمت‌های پایین‌تر و کسری تجاری فزاینده تحت تأثیر منفی قرار می‌گیرند (جانسون، ۲۰۱۰).

جدول ۳. تعرفه‌های وارداتی محصولات باغی منتخب آمریکا در سال ۲۰۰۵

محصول	تعرفه	
	گریپ فروت	انگور
پرتقال	۱۲/۳-۲۳/۳	۱/۱۳-۱/۸
نرخ (درصد)	۲/۱	

مأخذ: واهل و همکاران (۲۰۰۶)

۴. اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا از صادرات محصولات کشاورزی در سال‌های مختلف حمایت کرده و بزرگ‌ترین کاربر یارانه صادراتی شناخته شده است. یارانه‌های صادراتی برای فروش مازاد تولید اتحادیه اروپا به بازارهای جهانی از طریق حذف شکاف بین قیمت داخلی بالای اتحادیه و قیمت کمتر بازار جهانی پرداخت شده است (گریفیث و همکاران، ۲۰۰۶؛ کرکلا و همکاران، ۲۰۰۵). یارانه‌های مذکور در بخش میوه و سبزی برای گروه محدودی از محصولات همچون پرتقال، لیمو، انگور، سیب، هلو و گوجه‌فرنگی فراهم شده است. همچنین به برخی از خشکبار با اثرات مالی کمتر نیز پرداخت شده است (سیوفی و آکوویلا، ۲۰۰۴). در سال ۲۰۰۲، اتحادیه اروپا قریب به ۴۶ میلیون یورو یارانه صادراتی برای میوه‌ها و سبزیجات صرف نمود. در سال ۲۰۰۶ نیز این یارانه پرداخت شده است. با این حال، این اتحادیه در چارچوب دور توسعه دوحه سازمان تجارت جهانی تصمیم به حذف تدریجی یارانه صادراتی محصولات کشاورزی نموده است به طوری که بر اساس گزارش سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۹، یارانه صادراتی به بخش میوه و سبزی در حال حاضر اختصاص پیدا نکرده است.

اتحادیه اروپا مقصد اصلی و منبع عرضه تجارت میوه و سبزی در جهان است. در این اتحادیه، کلیه کشورهای عضو علاوه بر این که از تعرفه مشترکی استفاده می‌کنند، از سازمان بازار مشترک همراه با مکانیسم‌های سیاسی و توافقی‌های تجاری جهت ثبات بازارهای بخش میوه

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و دوم، شماره ۸۶

و سبزی خود برخوردارند. جامعه اروپا به دنبال آزادسازی بیشتر محصولات کشاورزی از طریق ساده‌سازی ساختار تعرفه‌ای خود و کاهش نرخ تعرفه‌های بالاست. طی سال‌های اخیر، ساختار تعرفه مشترک جامعه اروپا ثابت باقی مانده است. این اتحادیه با استفاده از عوارض‌های وارداتی مختلف همچون تعرفه‌های وارداتی MFN، سهمیه‌های تعرفه‌ای، سهمیه‌های تعرفه فصلی، قیمت‌های وارداتی حداقل از بخش کشاورزی حمایت می‌کند (کاستا و همکاران، ۲۰۰۹). محصولات کشاورزی در اتحادیه اروپا نسبت به محصولات غیرکشاورزی تحت تعرفه‌های بالاتری قرار دارند (کوسکا و روزاتی، ۲۰۰۳).

میانگین ساده تعرفه کشاورزی از ۱۰/۹ درصد در سال ۲۰۰۶ به ۹/۳ درصد در سال ۲۰۰۸ کاهش یافته است. جامعه اروپا از سهمیه‌های تعرفه‌ای تحت سیاست کشاورزی مشترک استفاده می‌کند که مطابق با تعهدات توافق‌نامه کشاورزی سازمان تجارت جهانی است. در کشورهای عضو، تعرفه‌های پایین برای محصولات کشاورزی بدون تولید رقابتی در جامعه اروپا مانند چای و قهوه به کار می‌رود و عمدتاً تعرفه‌های بالاتر برای محصولات کشاورزی فراوری شده استفاده می‌شود (سازمان تجارت جهانی، ۲۰۰۹).

در این اتحادیه، برخی سهمیه‌های تعرفه‌ای تنها در یک دوره خاصی از سال به کار می‌رود. در خارج از این دوره، واردات محصولات کشاورزی مشمول تعرفه‌های MFN قرار می‌گیرد. نظام سهمیه‌های تعرفه فصلی عمدتاً برای بخش میوه و سبزی به کار می‌رود (گودیسون، ۲۰۱۱). سهمیه‌های تعرفه‌ای برای واردات میوه‌ها و سبزیجات بر اساس نظام قیمت ورودی^۱ انجام می‌شود. نظام مذکور از سال ۱۹۹۵ معرفی شد که بر اساس قیمت حداقل عمل می‌کند و به صورت فصلی برای ۱۱ نوع میوه (آلو، لیمو، سیب، کلمانتین، گلابی، زردآلو، پرتقال، هلو و شلیل، انگور و ماندارین) مورد استفاده قرار می‌گیرد (سیوفی و آکوئلا، ۲۰۰۴؛ گوتز و گرث، ۲۰۰۷؛ سازمان تجارت جهانی، ۲۰۰۹).

بررسی سیاست‌های مرزی

میانگین تعرفه‌های MFN برای میوه‌ها از ۱۰ درصد تا ۳۰/۵ درصد متغیر می‌باشد (سازمان تجارت جهانی، ۲۰۰۹). جدول ۴ میانگین و میانه تعرفه‌های MFN تثبیت‌شده میوه‌های این اتحادیه را نشان می‌دهد (رائی، ۲۰۰۴).

گفتنی است که واردات محصولات باغی در اتحادیه اروپا تحت اقدامات شدید بهداشتی و بهداشت گیاهی قرار دارد. از سال ۲۰۰۷ شرایط خاصی برای واردات بادام از آمریکا، به سبب سطح بالای آفلاتوکسین، در نظر گرفته شده است.

جدول ۴. میانگین و میانه تعرفه‌های MFN تثبیت‌شده میوه‌ها در اتحادیه اروپا

محصول	میانگین	میان	محصول	میانگین	میان
میوه تازه	۲۱	۱۲	میوه خشک‌شده (کشمش)	۲	۲
میوه منجمد	۲۰	۲۱	آب میوه	۳۷	۲۲
میوه خشک‌شده و تازه (نارگیل، خرما و انجیر)	۴	۶	آجیل	۵	۴

مأخذ: رائی (۲۰۰۴)

۵. ترکیه

کشور ترکیه برای حمایت از صادرات محصولات کشاورزی، به ویژه افزایش توان صادراتی محصولات فراوری‌شده کشاورزی، مشوق‌هایی را به کار می‌گیرد، هر چند برنامه‌های مذکور در سال‌های اخیر به تبعیت از دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا و تعهدات سازمان تجارت جهانی کاهش یافته است. یارانه‌های صادراتی در دامنه ۵-۲۰ درصد از ارزش صادراتی متغیر می‌باشد و به ۱۶ محصول کشاورزی یا فراوری شده اعطا می‌گردد. این یارانه‌ها به صورت برنامه‌های اعتبار مالیاتی و بخشش بدهی (معاف از پرداخت به مؤسسه‌های دولتی مثل مالیات، هزینه‌های حق بیمه اجتماعی، هزینه‌های مخابره از راه دور یا هزینه‌های انرژی) است که از طریق مالیات بر صادرات محصولات اصلی همچون فندق و چرم پرداخت می‌شود (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۷؛ دفتر نمایندگی تجاری ایالات متحده، ۲۰۱۰). میوه‌ها و سبزی‌های فراوری‌شده، آب میوه‌ها، روغن زیتون، سیب‌زمینی، سیب، گوشت مرغ و تخم‌مرغ

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و دوم، شماره ۸۶

از جمله محصولاتی هستند که یارانه صادراتی به آنها تعلق می‌گیرد. در سال‌های اخیر، بیشترین میزان یارانه صادراتی به محصولاتی خاص چون سیب‌زمینی تازه، سبزیجات و روغن زیتون اختصاص داشته است (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۳). گفتنی است که در خصوص محصولات گوجه‌فرنگی، مرکبات، انگور، گلابی، کشمش، بادام، پسته و گردو به تولیدکنندگان یارانه صادراتی پرداخت نمی‌شود و مالیات صادراتی نیز دریافت نمی‌گردد (نلسون و ارکات، ۲۰۱۰؛ گیفورد و سرتاس، ۲۰۰۹؛ کاکیر و گلو، ۲۰۰۹). جدول ۵ یارانه مربوط به برخی از محصولات و سهم میزان صادرات مشمول یارانه را نشان می‌دهد. همچنین دولت ترکیه سالانه یارانه‌های صادراتی را برای صادرکنندگان مرکبات با نرخ‌های مختلف پرداخت می‌کند. وزارت کشاورزی این کشور در نظر دارد نرخ مذکور را از ۷۵ دلار آمریکا به ازای هر تن در سال ۲۰۰۹ به ۱۲۵ دلار به ازای هر تن در سال ۲۰۱۱ افزایش دهد (همیلتون و ارکات، ۲۰۱۰).

دولت ترکیه برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی برای کالاهای وارداتی محدودیت‌هایی را تعیین کرده است. میانگین نرخ تعرفه مرسوم بر واردات ۱۰ درصد می‌باشد، اما این کشور نرخ‌های تعرفه بالایی را بر واردات کالاهای مشخص به‌ویژه محصولات کشاورزی همچون گوشت، لبنیات، میوه‌ها، سبزیجات و آب‌میوه‌های فراوری‌شده تحمیل می‌کند. علاوه بر این، زمانی که در کشور سال مطلوبی حاکم باشد یا ذخایر فراوانی از محصولات کشاورزی وجود داشته باشد، نرخ‌های تعرفه بر واردات این محصولات بیشتر افزایش می‌یابد (وزارت بازرگانی چین، ۲۰۰۷). تعرفه‌ها بر میوه‌های تازه از ۱۵/۴ درصد تا ۱۴۵/۸ درصد متغیر است. تعرفه بر میوه فراوری‌شده، آب میوه و سبزی‌ها بین ۱۹/۵ درصد و ۱۳۰ درصد قرار دارد (دفتر نمایندگی تجاری ایالات متحده، ۲۰۱۰). مالیات وارداتی برای محصول کشمش در نرخ ۵۴/۹ درصد برای کلیه مناطق مبتنی بر ارزش CIF^۱ قرار دارد (کاکیر و گلو، ۲۰۰۹). نرخ‌های مالیات ۵۴ درصدی بر واردات کلیه مرکبات تازه وضع شده

1. Cost, Insurance and Freight

بررسی سیاست‌های مرزی

است (همیلتون و ارکات، ۲۰۱۰). همچنین مالیات‌های وارداتی برای محصولات سیب، گلابی و انگورهای تازه در سال ۲۰۰۴ به ترتیب برابر با ۶۰/۳، ۶۰/۳ و ۵۴/۹ درصد بوده است (نلسون و ارکات، ۲۰۱۰).

جدول ۵. نرخ‌های یارانه صادراتی محصولات باغی ترکیه در سال ۲۰۰۶

محصول	نرخ (دلار آمریکا/تن)	سهم میزان صادرات مشمول یارانه (درصد)
میوه‌های منجمد	۷۸	۴۱
آب میوه	۱۳۴	۱۷
روغن زیتون	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: OECD (۲۰۰۷)

۶. ایران

ارزیابی سیاست تجاری محصولات کشاورزی طی سال‌های برنامه اول و دوم توسعه نشان‌دهنده تحول جدی در موانع تجاری غیر تعرفه‌ای نمی‌باشد. اما طی چند سال از اجرای برنامه سوم توسعه، به‌ویژه از ابتدای سال ۱۳۸۱، با تغییر نرخ ارز مورد استفاده در مبنای تعرفه‌های گمرکی، میانگین تعرفه‌های گمرکی اسمی (حقوق گمرکی و سود بازرگانی) محصولات کشاورزی کاهش یافته است. با وجود برخی اقدامات اصلاحی هنوز ورود محصولات کشاورزی منوط به رعایت مقرات بهداشتی و قرنطینه‌ای و سایر استانداردهای مورد نیاز و اخذ مجوز از دستگاه‌های اجرایی ذیربط است. در حال حاضر، در رژیم تجاری فعال ایران به‌طور عمده از ابزار بسیار ساده تعرفه ارزشی استفاده می‌شود. این در حالی است که برای انجام حمایت مؤثرتر، امکان استفاده از سایر ابزارهای پیچیده تعرفه‌ای نظیر سهمیه تعرفه‌ای، تعرفه مرکب و ... وجود دارد که با توجه به فرایند عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، تضادی با تعهدات کاهش سطح حمایت مندرج در موافقت‌نامه‌های کشاورزی سازمان مزبور ندارد (حسینی درویشانی، ۱۳۸۹).

صادرات محصولات کشاورزی، به دلیل ویژگی‌های مختلفی نظیر مصرفی بودن آن‌ها و سیاست‌های حمایتی کشورهای واردکننده و توسعه یافته، با مشکلات و موانع مختلفی در بازارهای جهانی مواجه است. در بین زیربخش‌های کشاورزی ایران، زیربخش باغبانی دارای ظرفیت‌های عمده‌ای مانند صادرات، اشتغال‌زایی، بازدهی اقتصادی بالا، سازگاری با ملاحظات زیست‌محیطی و توسعه پایدار می‌باشد. بی‌تردید تولید عمده در بخش کشاورزی ایران را فراورده‌های باغی تشکیل می‌دهد و اگر بخش کشاورزی در مناسبات جهانی بتواند جایگاهی را به دست آورد، در اولویت اول صادرات بخش باغبانی خواهد بود (طوطیایی و سلیمانی، ۱۳۸۸). اما با وجود ظرفیت‌های بالقوه ذکر شده، مهم‌ترین مسئله‌ای که در بازار محصولات باغی اتفاق افتاده، واردات بی‌رویه میوه از کشورهای دیگر است. البته باید متذکر شد که بر اساس مصوبات هیئت وزیران و به منظور حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، دولت می‌تواند متناسب با افزایش یا کمبود میوه با انجام تغییرات تعرفه‌ای نسبت به ایجاد تعادل در عرضه و تقاضای محصولات باغی اقدام نماید. اما از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۸۷، در تعرفه واردات برخی از میوه‌ها تغییراتی اعمال گردید که باعث به صفر رسیدن سود بازرگانی محصولات موز، آناناس، نارگیل، انبه، گیلاس، آلبالو و زردآلو شد و این اقلام با حقوق پایه ۴ درصد وارد کشور شدند (سلیمانی، ۱۳۸۸).

نظام فعلی تعرفه‌های کشاورزی بر پایه نظام تک‌ابزاری (تعرفه ارزشی) بنا شده است و نرخ تعرفه‌ها ارتباط معنی‌داری با درآمدهای کشور و به ویژه شوک‌های نفتی دارد؛ به عبارت دیگر، در هنگام بروز شوک نفتی و یا بهبود وضعیت منابع ارزی کشور، حمایت تعرفه‌ای از بخش تولید کشاورزی کاهش یافته و دولت با اتخاذ برخی سیاست‌ها، از جمله سیاست افزایش نرخ تعرفه کالاهای ممنوع‌الورود و کاهش تعرفه کالاهای اساسی و تولیدات عمده کشاورزی کشور، به افزایش واردات و در برخی موارد کاهش تولید داخلی اقدام کرده است. گفتنی است که تعرفه اغلب میوه‌ها از میانگین ۲۶ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۴ درصد در سال ۱۳۸۷ کاهش یافته است. به طور مشخص، حقوق ورودی محصولاتی نظیر سیب، پرتقال و نارنگی هر

بررسی سیاست‌های مرزی

یک در ابتدای سال ۱۳۸۴ تا تیرماه این سال، در حدود ۴۵ درصد ارزش کالا گزارش گردید. اما در راستای حمایت از مصرف‌کنندگان، بر اساس مصوبه هیئت وزیران از ۱۸ تیرماه تا ۲۸ آذرماه سال ۱۳۸۴، سود بازرگانی به صفر درصد کاهش یافت، در حالی که بار دیگر، از ۲۸ آذر ماه تا ابتدای اسفند ماه، به ۲۶ درصد افزایش پیدا کرد (برادران نصیری و میرباقری، ۱۳۸۸). در واقع، در زمان برداشت محصول (که حمایت از تولیدکننده ضروری است)، کاهش تعرفه موجب افزایش واردات محصولات سیب، پرتقال و نارنگی گردید و در نتیجه، به کاهش قیمت آن‌ها و زیان تولیدکنندگان داخلی منجر شد.

بر اساس مقررات صادرات و واردات طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۷، سود بازرگانی برخی محصولات باغی از جمله پرتقال، نارنگی، سیب، زردآلو، گیلاس، آلبالو و ... متغیر و با روند افزایشی و کاهشی تعرفه واردات در این سال‌ها همراه بوده است. در سال ۱۳۸۷، تعرفه واردات از اردیبهشت ماه تا اسفند ماه سال ۱۳۸۷ افزایش پیدا کرد و مجدداً سود بازرگانی محصولات مذکور از بهمن ماه سال ۱۳۸۷ تا اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۸ به صفر رسید، اما از اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۸ میانگین تعرفه واردات میوه ۲۵ درصد افزایش یافت. قابل ذکر است در مقطعی که سود بازرگانی برای واردات انواع میوه صفر درصد تعیین شد، حقوق پایه آن ۴ درصد بود (سلیمانی، ۱۳۸۸).

بررسی‌ها نشان می‌دهد میانگین تعرفه‌ها در ایران به دلیل مشکلات مربوط به اعمال تحریم‌های اقتصادی جهان غرب و به‌ویژه آمریکا از سایر کشورهای جهان بالاتر می‌باشد. بدیهی است در شرایطی که اقتصاد ایران طی سالیان متمادی هدف تحریم‌های غرب قرار گرفته است، به‌منظور حمایت از اشتغال و تولید داخلی، اعمال تعرفه‌های بیشتر در دستور کار تصمیم‌گیران قرار گیرد. تعرفه‌های سال ۱۳۸۸ بیانگر آن است که میانگین مجموع تعرفه‌ها نسبت به سال ۱۳۸۷، حدود ۲ درصد افزایش یافته است (سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۳۸۸). گفتنی است که ایران یکی از پنج کشور جهان است که بیشترین نرخ تعرفه را برای واردات اعمال می‌کند (یزدان‌شناس و همکاران، ۱۳۸۸).

به طور کلی، هر چند کاهش میزان تعرفه‌ها در خصوص محصولات باغی به نظر می‌رسد تأثیر اندکی داشته باشد، واقعیت این است که کاهش تعرفه محصولات باغی سبب بروز مشکلات اساسی اقتصادی و روانی برای کشاورزان شده است. دولت با کاهش تعرفه واردات محصولات کشاورزی به بسیاری از تولیدکنندگان زیان وارد کرده است. در این شرایط باید توجه داشت که در صورت کاهش نرخ تعرفه و نبود نظام حمایتی غیرتعرفه‌ای، این احتمال وجود دارد که کشور از صادرکننده خالص به واردکننده خالص تبدیل شود؛ همان‌طور که در مورد مرکبات این مسئله تجربه شده است. از این رو می‌توان بیان نمود ابزار دولت برای حمایت از مصرف‌کنندگان و تنظیم بازار، استفاده از تعرفه ورودی میوه‌های خوراکی بوده است. این در حالی است که سیاست حمایتی مناسبی برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی و صادرات محصولات وجود نداشته و به عبارتی، سیاست‌های حمایت از تولید و صادرات به موازات آن افزایش نیافته است. این امر موجب می‌شود که با وجود ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در ایران در رابطه با تولید انواع میوه، محصولات خارجی در انبارهای داخلی کشور ذخیره شود و بازار کشور از میوه‌های خارجی اشباع گردد؛ به عبارت دیگر، در ایران تنها از واردات به‌عنوان ساده‌ترین راهکار تأمین نیاز بازار در کشور استفاده می‌شود. همچنین به نظر می‌رسد در زمینه اتخاذ تعرفه‌ها، هماهنگی میان وزارتخانه‌های مربوط وجود ندارد، چرا که وزارت بازرگانی در راستای حمایت از مصرف‌کنندگان، تمایل به کاهش تعرفه واردات کالاهای اساسی دارد. این در حالی است که وزارت جهاد کشاورزی به منظور حمایت از تولیدکنندگان، بیشتر به افزایش تعرفه واردات محصولات کشاورزی گرایش دارد. علاوه بر این، باید توجه داشت که در نظام تعرفه‌ای ایران از ابزارهای متنوع استفاده نمی‌شود. همچنین روند تعرفه‌ها با اصول اعلام شده در برنامه‌های توسعه کشور تناسب کافی ندارد و بین تعرفه‌های ساده و وزنی شکاف عمیقی وجود دارد و به طور مشخص، سطح تعرفه‌های وزنی بسیار پایین می‌باشد.

از دیگر نکات قابل تأمل این است که در نظام سیاست تعرفه‌ای ایران، برنامه‌ریزی بلندمدت مشاهده نمی‌شود. ذکر این نکته همچنین ضروری است که به استناد ماده ۹۶ قانون

بررسی سیاست‌های مرزی

برنامه پنجم توسعه، در طول سال‌های اجرای این برنامه، برقراری موانع غیر تعرفه‌ای و غیر فنی، به جز در مواردی که رعایت موازین شرع اقتضا می‌کند، ممنوع است. در صورت وجود چنین موانعی دولت مکلف است با تعیین نرخ‌های معادل تعرفه‌ای نسبت به رفع آن اقدام کند. این در حالی است که سهمیه تعرفه‌ای محصولات کشاورزی مشمول این ممنوعیت قرار نمی‌گیرد.

در جدول ۶، مطابق با آمار سال ۲۰۰۹، بیشترین میانگین تعرفه کاربردی در گروه میوه و سبزیجات به ترتیب به کشورهای ایران، ترکیه و هند اختصاص دارد و کشورهای آمریکا و اتحادیه اروپا کمترین میزان را در شاخص مورد نظر دارند. باید متذکر شد که حدود ۲۰/۱ و ۱۸/۵ درصد از محصولات مربوط به گروه میوه و سبزیجات به ترتیب در آمریکا و اتحادیه اروپا معاف از حقوق گمرکی است، در حالی که در ایران هیچ محصولی در گروه میوه و سبزیجات معاف از حقوق گمرکی نیست. بسیاری از کشورها در آغاز عضویت در سازمان تجارت جهانی سعی در حفظ و تثبیت تعرفه‌های خود در سطح بالایی دارند که البته از این حیث شاید بهتر باشد ایران نیز سطح تعرفه‌های خود را کاهش ندهد. اما از آنجا که تعامل با اقتصاد جهانی نیازمند داشتن سطح تعرفه‌های پایینی است و سطح تعرفه‌های ایران در بخش کشاورزی از میانگین جهانی بالاتر می‌باشد، لذا به منظور هماهنگ شدن با سازمان تجارت جهانی و همچنین تعامل با اقتصاد جهانی در شرایط عدم عضویت در سازمان، ضروری به نظر می‌رسد که سطح تعرفه کالاهای دارای ممنوعیت شرعی کاهش یابد تا بدین ترتیب، میانگین سطح تعرفه بخش کشاورزی کاهش یابد. شایان ذکر است، کشورهای مورد مطالعه یعنی آمریکا، هند و اتحادیه اروپا از سال ۱۹۹۵ و کشور چین از سال ۲۰۰۱ عضو سازمان تجارت جهانی هستند.

جدول ۶. میانگین و ماکزیمم تعرفه کاربردی گروه میوه و سبزیجات در کشورهای منتخب در

سال ۲۰۰۹

نام کشور	میانگین	ماکزیمم	معاف از حقوق گمرکی (درصد)
ایران	۳۸/۱	۲۰۰	۰/۰
چین	۱۴/۸	۳۰	۵/۹
هند	۳۰/۴	۱۰۰	۰/۵
آمریکا	۴/۹	۱۳۲	۲۰/۱
اتحادیه اروپا	۱۱/۳	۱۶۱	۱۸/۵

مأخذ: سازمان تجارت جهانی^۱ (۲۰۱۱)

یکی دیگر از سیاست‌های مرزی، سیاست یارانه‌های صادراتی است. در سال‌های اخیر، یارانه‌های مذکور به مرغ، تخم‌مرغ، سیب‌زمینی، پیاز، کشمش، چای و میگوی پرورشی اختصاص یافته است. میزان پرداختی یارانه‌های صادراتی در بخش کشاورزی در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ یک سوم مبالغ مصوب بوده است که می‌تواند ناشی از عدم لزوم پرداخت به دلیل شرایط مناسب بازار و یا شرایط دشوار پرداخت یارانه باشد. در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ترتیب حدود ۲۴۰۶۷۵ و ۱۳۷۰۲۸ میلیون ریال جایزه صادراتی، به جای یارانه صادراتی در بخش کشاورزی پرداخت شده است. این جوایز با توجه به مقوله‌های خاصی تعیین می‌گردد. مبنای پرداخت جوایز صادراتی کالا، قیمت‌های پایه صادراتی تعیین شده از سوی کارگروه قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی معتبر در زمان خروج کالا خواهد بود (وزارت بازرگانی، ۱۳۸۸).

بر اساس اطلاعات موجود، طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸، میزان جایزه سیب در بسته‌بندی ۲۰ کیلوگرم و کمتر همواره ۳ درصد قیمت پایه صادراتی بوده است. اما این میزان جایزه در بسته‌بندی بیشتر از ۲۰ کیلوگرم در سال ۱۳۸۳ معادل با ۰/۵ درصد قیمت پایه صادراتی بوده که این رقم در سال ۱۳۸۴ به ۱ درصد قیمت پایه صادراتی و در سال‌های پس از

1. www.wto.org

بررسی سیاست‌های مرزی

آن به صفر رسیده است. همچنین میزان جایزه مرکبات در بسته‌بندی ۲۰ کیلوگرم و کمتر نیز به مانند سیب همواره ۳ درصد قیمت پایه صادراتی طی دوره مورد بررسی بوده است. در مورد مرکبات با بسته‌بندی بیشتر از ۲۰ کیلوگرم نیز درصد حمایت مشابه با سیب می‌باشد؛ به بیان دیگر، درصد ضریب حمایت (میزان جایزه) مرکبات در سال ۱۳۸۳ معادل ۰/۵ درصد قیمت پایه صادراتی بوده که در سال ۱۳۸۴ به ۱ درصد افزایش یافته ولی در سال‌های پس از آن به صفر کاهش یافته است.

یکی دیگر از محصولات باغی مهم ایران کشمش است. میزان جایزه کشمش در بسته‌بندی ۲ کیلوگرم و کمتر از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۸۸ همواره ۳ درصد قیمت پایه صادراتی بوده است. همچنین میزان جایزه کشمش در بسته‌بندی بیشتر از ۲ تا ۱۴ کیلوگرم طی این سال‌ها ۲ درصد قیمت پایه صادراتی در نظر گرفته شده است. در سال ۱۳۸۳ میزان جایزه کشمش فله‌ای (بسته‌بندی بالای ۲ کیلوگرم) نیز ۲ درصد قیمت پایه صادراتی بوده است. علاوه بر این، در بسته‌بندی‌های بیشتر از ۱۴ کیلوگرم در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ میزان جایزه در نظر گرفته شده برابر با ۱ درصد قیمت پایه صادراتی بوده است.

در حال حاضر، کشور ایران اولین صادرکننده پسته در جهان می‌باشد. حدود ۸۵ درصد از تولید پسته ایران صادر می‌شود. پسته در ۲۲ استان کشور تولید می‌شود که در این بین، استان کرمان به لحاظ سطح زیر کشت و میزان تولید، رتبه اول را به خود اختصاص داده است. پس از ایران، کشورهای امریکا، ترکیه، سوریه و چین از تولیدکنندگان عمده پسته در جهان محسوب می‌شوند (سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۳۸۹). در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ درصد ضریب حمایت از این محصول در بسته‌بندی‌های ۲ کیلوگرم و کمتر، بیشتر از ۲ تا ۱۴ کیلوگرم، و بالاتر از ۱۴ کیلوگرم به ترتیب برابر با ۳، ۲ و ۱ درصد قیمت پایه صادراتی بوده است. ذکر این نکته ضروری است که تنها در سال ۱۳۸۳ درصد ضریب حمایت از پسته در بسته‌بندی بالاتر از ۱۴ کیلوگرم متفاوت با سال‌های بعد و معادل با ۲ درصد قیمت پایه صادراتی بوده است. اما در سال ۱۳۸۳، درصد این ضریب در بسته‌بندی‌های ۲ کیلوگرم و کمتر، و بیشتر

از ۲ تا ۱۴ کیلوگرم مشابه با سال‌های پس از آن و به ترتیب برابر با ۳ و ۲ درصد قیمت پایه صادراتی بوده است.

کشور ایران با تولید حدود یک میلیون تن خرما در سال و اختصاص سهم ۱۶ درصدی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان خرما در جهان محسوب می‌شود. بر اساس آمار سازمان خواربار و کشاورزی در سال ۲۰۰۷، ایران پس از مصر بزرگ‌ترین تولیدکننده خرما در جهان بوده است. همچنین در این سال، کشورهای عربستان سعودی، امارات و پاکستان در رتبه‌های بعدی تولیدکننده خرما در جهان قرار داشته‌اند. در طول سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸، درصد ضریب حمایت از خرما در بسته‌بندی‌های ۱ کیلوگرم و کمتر، بیشتر از ۱ تا ۳ کیلوگرم و بیشتر از ۳ کیلوگرم به ترتیب برابر با ۳، ۲ و ۱ درصد قیمت پایه صادراتی بوده است. در سال ۱۳۸۸ درصد ضریب حمایت از خرمای صنعتی و همچنین خرمای خردشده و مخلوط با آرد برنج یا پودر دکستروز در انواع بسته‌بندی به ترتیب معادل با صفر و ۳ درصد قیمت پایه صادراتی در نظر گرفته شده است.

به منظور بررسی دقیق‌تر موضوع و بررسی تأثیر متغیرهای مختلف بر صادرات و واردات محصولات باغی، توابع واردات و صادرات محصولات باغی ایران برآورد شد. با توجه به اینکه متغیرهای مورد نظر ایستا از درجه صفر و یک می‌باشند، جهت برآورد الگوهای مطالعه از روش ARDL استفاده گردید. نتایج آزمون F وجود رابطه بلند مدت بین متغیرها را اثبات کرد (مقدار آماره مربوط برابر با ۹/۴۲ می‌باشد که بزرگ‌تر از آماره F جدول است).

نتایج برآورد الگوی واردات محصولات باغی در بلند مدت به شرح جدول ۷ است. بر اساس نتایج، متغیرهای نرخ ارز واقعی، تولید داخلی محصولات باغی و تعرفه دارای تأثیر معنیدار بر واردات محصولات باغی به ایران در بلند مدت است.

جدول ۷. نتایج برآورد الگوی بلند مدت واردات محصولات باغی

آماره t	ضریب	متغیر
۲/۳۵	-۱/۴۸ ^{**}	Exr نرخ ارز واقعی
۱/۲۱	۱/۱۶	GDP تولید ناخالص داخلی
۱/۱۹	۰/۹۵	Pm نسبت قیمت واردات جهانی به داخلی
-۳/۲۶	-۱/۲۴ ^{***}	Pr تولید داخلی محصولات باغی
-۲/۳۸	-۰/۹۹ ^{**}	T تعرفه
۱/۴۳	۰/۷۶	GLB شاخص آزادسازی تجارت
-۵/۳۷	-۱۳/۸۴ ^{***}	C عرض از مبدأ
-۲/۷۶	-۰/۹۸ ^{***}	tr روند زمانی

مأخذ: یافته‌های تحقیق *، ** و *** به ترتیب معنی‌داری در سطح ۱۰، ۵ و ۱ درصد

علامت متغیرهای لحاظ شده در الگو مطابق انتظار است و متغیرهای نرخ ارز واقعی، تولید داخلی محصولات باغی و تعرفه دارای تأثیر منفی بر واردات محصولات باغی می‌باشند. در بین متغیرهای دارای ارزش آماری، نرخ ارز دارای بیشترین تأثیر بر واردات محصولات باغی است. از نکات قابل توجه بی معنی بودن ضریب شاخص آزادسازی تجاری است.

بر اساس نتایج حاصل از برآورد الگوی کوتاه مدت، متغیرهای نرخ ارز واقعی، نسبت قیمت وارداتی محصولات باغی جهان به ایران، تولید داخلی محصولات باغی و تعرفه دارای تأثیر آماری معنی‌دار بر واردات محصولات باغی هستند. علامت متغیرها نیز مطابق انتظار است. در کوتاه مدت بیشترین ضریب مربوط به متغیر تولید داخلی محصولات باغی است که برابر با ۲/۲۳ می‌باشد. با توجه به این ضریب، چنانچه میزان تولید محصولات باغی به میزان ۱ درصد افزایش یابد، میزان واردات محصولات باغی به مقدار ۲/۲۳ درصد کاهش خواهد یافت. افزایش در نرخ ارز و تعرفه واردات نیز به میزان ۱ درصد موجب کاهش واردات محصولات باغی به ترتیب به میزان ۰/۹۴ و ۰/۷۶ می‌شود. همچنین بر اساس نتایج، در صورتی که نسبت

قیمت وارداتی محصولات باغی جهان به ایران به اندازه ۱ درصد افزایش پیدا کند، واردات محصولات باغی به ایران به میزان ۰/۷۲ درصد کاهش خواهد یافت. ضریب جمله تصحیح خطا نیز معنیدار بوده و برابر با ۱/۳ به دست آمده که بیانگر آن است که تأثیر سیاست‌های دولت در کمتر از یک سال بر واردات محصولات باغی مشاهده خواهد شد.

جدول ۸. نتایج برآورد الگوی کوتاه مدت واردات محصولات باغی

متغیر	ضریب	آماره t
dExr	-۰/۹۴*	۱/۹۵
dGDP	۰/۸۳	۰/۸
dPm	-۰/۷۲**	-۲/۵۴
dPr	-۲/۲۳***	-۳/۴۶
dT	-۰/۷۶***	-۳/۳۱
dGLB	۰/۴۱	۱/۵۵
dC	-۸/۵۲***	-۳/۷۵
dtr	-۰/۸۶***	-۳/۳۹
ecm(-1)	-۱/۳*	-۱/۹۶
$R^2=۰/۶۶$ $DW=۱/۷۹$ $F=۶/۸۲$		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

پیش از برآورد تابع صادرات محصولات باغی، آزمون F به منظور بررسی وجود رابطه بلند مدت بین متغیرهای مدل صورت پذیرفت. نتایج این آزمون وجود رابطه بلند مدت بین متغیرهای الگو را تأیید کرد (مقدار آماره مربوط برابر با ۱۱/۲۷ می باشد که بزرگ‌تر از آماره F جدول است). بر این اساس، ابتدا رابطه بلند مدت بین متغیرها برآورد گردید که نتایج به شرح جدول ۹ می باشد. مطابق نتایج به دست آمده، متغیرهای نرخ ارز واقعی، نسبت قیمت صادرات جهانی به داخلی محصولات باغی تولید داخلی محصولات باغی، و شاخص آزادسازی تجاری دارای تأثیر معنیدار بر صادرات محصولات باغی در بلند مدت می باشد.

بررسی سیاست‌های مرزی

جدول ۹. نتایج برآورد الگوی بلند مدت صادرات محصولات باغی

متغیر	ضریب	آماره t
Exr نرخ ارز واقعی	۰/۹۸**	۲/۶۱
GDP تولید ناخالص داخلی	۰/۶۹	۰/۸۳
Px نسبت قیمت جهانی به داخلی	۰/۲۶**	۲/۲۵
Pr تولید داخلی محصولات باغی	۰/۷۴**	۲/۵۴
GLB شاخص آزادسازی تجارت	۰/۸۸*	۱/۹۸
C عرض از مبدا	-۲۱/۳۶***	-۳/۶۴
tr روند زمانی	۰/۸۲**	۲/۴۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق

چنان‌که مشاهده می‌شود، علامت کلیه ضرایب مثبت بوده و بر این اساس متغیرهای نرخ ارز واقعی، نسبت قیمت صادرات جهانی به داخلی محصولات باغی، تولید داخلی محصولات باغی و آزادسازی تجاری دارای تاثیر مثبت بر صادرات محصولات باغی ایران می‌باشند. بر این اساس، در بلند مدت، با افزایش ۱ درصدی نرخ ارز، میزان صادرات محصولات باغی به مقدار ۰/۹۸ درصد افزایش پیدا خواهد کرد. نتایج برآورد الگوی صادرات محصولات باغی در کوتاه مدت در جدول ۱۰ ارائه شده است.

جدول ۱۰. نتایج برآورد الگوی کوتاه مدت صادرات محصولات باغی

متغیر	ضریب	آماره t
dExr	۰/۸۴***	۳/۴۲
dExr	۰/۳۶**	۱/۷۴
dGDP	۰/۹۷	۱/۵۵
dPx	۱/۱۲***	۳/۵۱
dPx	-۰/۴۵	-۰/۶۳
dPr	۱/۲۴	۰/۴۳
dGLB	۰/۶۷***	۳/۰۴
dC	۱۰/۲۹***	۳/۱۱
dtr	۱/۰۶***	۳/۴۱
ecm(-1)	-۰/۹۶***	-۳/۱۱
	$R^2=۰/۴۸$	$F=۷/۳۶$
		$DW=۱/۸۸$

مأخذ: یافته های تحقیق

با توجه به جدول بالا، در کوتاه مدت متغیرهای نرخ ارز واقعی، نسبت قیمت جهانی به داخلی و شاخص آزادسازی تجارت در کوتاه مدت دارای تأثیر معنی داری بر میزان صادرات محصولات باغی اند. مشاهده می شود که با افزایش ۱ درصد در نرخ ارز، میزان صادرات محصولات باغی به اندازه ۰/۸۴ درصد افزایش می یابد. همچنین چنانچه نسبت قیمت جهانی به داخلی به میزان ۱ درصد افزایش یابد، میزان صادرات محصولات باغی به میزان ۱/۱۲ درصد افزایش پیدا خواهد کرد. ضریب جمله تصحیح خطا نیز برابر با ۰/۹۶ به دست آمده که مبین آن است تأثیر سیاست های دولت پس از حدود یک دوره بر صادرات محصولات باغی مشاهده خواهد شد.

نتیجه گیری و پیشنهاد

نتایج مقایسه تجربیات کشورهای مورد مطالعه در خصوص نوع سیاست های صادرات محصولات باغی مبین آن است که کشورهای چین و هند از ابزارهای مشوق صادرات و

بررسی سیاست‌های مرزی

همچنین محدودکننده صادرات استفاده نمی‌کنند و از شیوه‌های دیگری صادرات محصولات باغی را حمایت می‌نمایند. ایران از مشوق‌های صادراتی برای برخی محصولات باغی استفاده می‌کند. به‌طور کلی، ایران در مقایسه با سایر کشورهای مورد مطالعه از ابزارهای کمتری برای گسترش صادرات محصولات باغی استفاده می‌کند. نگاهی به سیاست‌های وارداتی و تعرفه‌ای ایران و سایر کشورها گویای این مطلب است که نظام تعرفه‌ای ایران برخلاف سایر کشورها (که از ابزارهای بیشتری برای کنترل واردات استفاده می‌کنند) فاقد ابزارهای متنوع برای کنترل واردات محصولات باغی است و لذا یکی از اقدامات اساسی، ایجاد تنوع و استفاده از اقدامات و ابزارهای مناسب برای این منظور است. از جمله ابزارها و اقداماتی که در سایر کشورها به کار می‌رود، می‌توان به سهمیه تعرفه‌ای (برای مثال، در کشورهای عضو اتحادیه اروپا برخی سهمیه‌های تعرفه‌ای تنها در یک دوره خاصی از سال به کار می‌رود. در خارج از این دوره، واردات محصولات کشاورزی مشمول تعرفه‌های MFN قرار می‌گیرد)، سهمیه تعرفه فصلی، تعرفه فصلی، توافق‌نامه تجارت آزاد (برای مثال، با پذیرش توافق‌نامه تجارت آزاد امریکای شمالی، منافع قابل توجهی در تجارت میان آمریکا، کانادا و مکزیک ایجاد شده است و با این توافق‌نامه، تعرفه‌ها برای محصولات خاص مانند سیب، پرتقال، گریپ‌فروت، انگور و موز به‌طور مرحله‌ای کنار گذاشته شده و یا تحت پوشش نرخ تعرفه سهمیه‌ای و فصلی قرار گرفته است)، تعرفه‌های امتیازی (ترجیحی)^۱ و همچنین اعمال تعرفه بالاتر برای محصولات خاص (برای مثال، در کشورهای عضو اتحادیه اروپا عمدتاً تعرفه‌های بالاتر برای محصولات کشاورزی فراوری شده استفاده می‌شود) و تعرفه‌های پایین برای محصولات کشاورزی بدون تولید رقابتی اشاره کرد.

نتایج برآورد تابع واردات محصولات باغی مبین آن است که متغیرهای نرخ ارز واقعی، تولید داخلی محصولات باغی، و تعرفه دارای تأثیر معنی‌دار بر واردات محصولات باغی به ایران

۱. در سیستم تعرفه، امتیازی برای تشویق واردات پاره‌ای از کالاهای خاص، نرخ تعرفه کمتر از نرخ‌های پایه در نظر گرفته می‌شود (نامه اتاق بازرگانی، ۱۳۷۹).

در بلند مدت و کوتاه مدت است. در کوتاه مدت علاوه بر متغیرهای مذکور، متغیر نسبت قیمت وارداتی محصولات باغی جهان به ایران دارای تأثیر آماری معنی‌دار بر واردات محصولات باغی است. تخمین تابع صادرات محصولات باغی نشان داد که متغیرهای نرخ ارز واقعی، نسبت قیمت صادرات جهانی به داخلی محصولات باغی، و شاخص آزادسازی تجاری دارای تأثیر معنی‌دار بر صادرات محصولات باغی در بلند مدت و کوتاه مدت می‌باشد. در بلندمدت متغیر تولید داخلی محصولات باغی نیز تأثیر معنی‌داری بر میزان صادرات محصولات باغی دارد. به طور کلی، نتایج برآورد توابع صادرات و واردات محصولات باغی رهنمونی در راستای تنظیم رفتارهای متغیرهای نرخ ارز، تولید داخلی و مدیریت کلان بخش کشاورزی و به ویژه بخش باغی است. تأکید می‌شود از آنجا که بررسی آزادسازی تجارت بر مقوله‌های واردات و صادرات در بخش کشاورزی در قالب مدل‌های معرفی شده و با استفاده از متغیرهای جانشین صورت پذیرفت، بنابراین، در استفاده از نتایج ضروری است که جوانب احتیاط مورد نظر قرار گیرد.

در مجموع، نتایج مطالعه گویای وجود ضعف و ناسامانی در نظام بازرگانی محصولات باغی است. نظام واردات و تعرفه‌ای کشاورزی و باغی ایران درگیر مسائلی مانند نبود یک راهبرد بلندمدت در نظام تعرفه‌ای، بی‌توجهی به توان رقابتی ایران در تولید محصولات کشاورزی و باغی در تعیین نرخ تعرفه‌ها، حمایت غیرمنطقی از تولید داخل با کاهش سطح تعرفه‌ها و عدم استفاده از ابزارهای غیرتعرفه‌ای مجاز اعلام شده سازمان تجارت جهانی، محدودیت ابزارها و اقدامات تعرفه‌ای و ناهماهنگی بین وزارتخانه‌های بازرگانی و جهاد کشاورزی در تعیین تعرفه می‌باشد. با این اوصاف، برای رفع کاستی‌ها و مشکلات موجود در فرایند صادرات و واردات می‌بایست سیاست‌های خاصی مناسب با شرایط کشور مورد استفاده قرار گیرد. در همین راستا، می‌توان پیشنهادهای سیاستی زیر را برای حمایت از صادرات و واردات محصولات باغی ارائه کرد:

الف) تشکیل سازمانی با هدف کلی بازاریابی و نظارت بر بهداشت و سلامت محصولات غذایی صادراتی و وارداتی در راستای استانداردسازی و گسترش درجه‌بندی،

بررسی سیاست‌های مرزی

نظارت و کنترل سطح بهداشت و سلامت محصولات باغی. لازم است این سازمان نظام کاملی از گواهینامه‌های کیفی اجباری همراه با رعایت الزامات و استانداردهای بین‌المللی تبیین نماید و در اجرای موارد مورد نظر در این نظام در بلندمدت و با فراهم آمدن بستر مناسب برای اجرای کامل آن اهتمام ورزد.

ب) به منظور بازیابی جایگاه واقعی برخی محصولات باغی صادراتی ایران از جمله پسته و خرما و همچنین گسترش بازارهای مقصد صادراتی محصولات باغی دارای مزیت در تولید و صادرات، اعمال محدودیت‌های صادراتی مانند الزامات بهداشت نباتی، استانداردهای بازاریابی و الزامات سلامت غذایی تا حد مناسب و قابل قبول در بلندمدت ضروری به نظر می‌رسد. در همین راستا، اعطای اعتبارات صادراتی ویژه محصولات راهبردی با هدف ارتقای سطح سلامت و بهداشت غذایی محصولات صادراتی قابل توصیه است. گفتنی است در قانون بهره‌وری بخش کشاورزی نیز اشاره شده است که به منظور توسعه صادرات و استفاده از مزیت‌های نسبی بخش کشاورزی، دولت می‌بایست نسبت به پرداخت یارانه صادرات برای محصولات صادراتی منطبق با استانداردهای بازار هدف بخش کشاورزی اعم از کمک‌های بازاریابی، جایزه صادراتی، اعتبارات صادراتی، تضمین مخاطرات ناشی از صادرات، یارانه کمک‌های غذایی به کشورهای هدف اقدام نماید.

ج) برگزاری جلسات مشترک بین دو وزارتخانه بازرگانی و جهاد کشاورزی به منظور ایجاد هماهنگی و تعادل بین سیاست‌های حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده

د) اتخاذ رویه‌های بلندمدت در نظام تجاری محصولات باغی و کشاورزی با در نظر داشتن شرایط اقلیمی و رقابتی کشاورزی ایران و اجتناب از اتخاذ سیاست‌های کوتاه‌مدت و مقطعی

و) با توجه به لزوم الحاق به سازمان تجارت جهانی در بلندمدت، لازم است بر سیاست‌هایی تمرکز شود که منجر به بهبود بهره‌وری و قدرت رقابت و افزایش درآمد کشاورزان گردد. در این مسیر قاعدتاً کاهش سطح تعرفه‌ها غیرقابل اجتناب خواهد بود (با

توجه به اینکه سطح تعرفه‌ها در بخش کشاورزی کشور بالاتر از میانگین جهانی است)، اما در کوتاه‌مدت و تا هنگامی که اقدامات لازم در خصوص الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی صورت پذیرد، باید تعیین نرخ تعرفه‌ها در راستای حمایت از تولید داخلی و همچنین مبتنی بر اصول مزیت نسبی و حفظ توان رقابتی صورت پذیرد.

ه) در بلندمدت به موازات حمایت از تولیدکنندگان لازم است اقدامات تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای مناسب در جهت کنترل واردات محصولات باغی در نظر گرفته شود؛ برای مثال، در مقاطعی که ذخایر محصولات کشاورزی و باغی در حد مطلوبی است، یکی از این اقدامات افزایش تعرفه واردات است. اعمال تعرفه بیشتر برای برخی محصولات خاص و تعرفه‌های پایین برای محصولات کشاورزی بدون تولید رقابتی از دیگر برنامه‌های مناسب می‌باشد. همچنین استفاده از سایر ابزارهای تعرفه‌ای غیرارزشی، سهمیه تعرفه‌ای، تعرفه فصلی و تعرفه‌های ترجیحی به منظور تنوع بخشی به سیاست تعرفه‌ای زیربخش باغبانی پیشنهاد می‌شود. بر اساس نظام تعرفه‌های امتیازی، برای تشویق واردات برخی از کالاهای خاص باغی، نرخ تعرفه کمتر از نرخ‌های پایه در نظر گرفته شود. این مهم می‌تواند در خصوص محصولاتی که ایران در تولید آن فاقد مزیت است و یا در مقاطع بحرانی مورد توجه واقع شود. اقدام دیگر، جلوگیری از واردات محصولاتی است که فاقد سطح کیفی مناسب و استانداردهای مورد نظر کمیته نظارت بر بهداشت و سلامت محصولات غذایی می‌باشد. در این خصوص توجه به الزامات بهداشتی و بهداشت نباتی و موانع فنی تجاری مجاز اعلام شده سازمان تجارت جهانی ضروری است.

سیاسگزاری

این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی « مطالعه تطبیقی سیاست‌های حمایتی محصولات باغی در ایران و کشورهای منتخب » است که هزینه اجرای آن را مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی تأمین نموده است. لذا از همکاری آن مؤسسه صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

۱. برادران نصیری، م. و میرباقری، و. ۱۳۸۸. مشکلات، چالش‌ها و سیاست‌های توسعه زیربخش زراعت و باغبانی (تولیدات گیاهی)، دفتر مطالعات زیربنایی مجلس شورای اسلامی ایران. قابل دسترس در: www.majlis.ir.
۲. بی نام، ۱۳۷۹. سیاست‌های آزادسازی اقتصادی در کره جنوبی. نامه اتاق بازرگانی: ۲۹-۳۸۷.
۳. حسینی درویشانی، س.م. ۱۳۸۹. افزایش مشارکت تولیدکنندگان و تقویت بورس کالای کشاورزی، راهکارهای ایجاد تعادل در بازار محصولات کشاورزی. هفته نامه برنامه، شماره ۳۸۲.
۴. دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی. ۱۳۸۶. بررسی اثر یارانه‌های صادراتی.
۵. رازینی، ا.ع. و فتحی، ی. ۱۳۸۱. موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای صادرات ایران در بازارهای هدف. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران: تهران. ۲۳۶ صفحه.
۶. سازمان توسعه تجارت ایران. ۱۳۸۸. مقررات واردات و صادرات ایران.
۷. سلیمانی، ا. ۱۳۸۸. بررسی زیربخش باغبانی در برنامه چهارم توسعه. دفتر مطالعات زیربنایی مجلس شورای اسلامی ایران. قابل دسترس در: www.majlis.ir.
۸. سلیمانی، ا. و حاجی‌زاده، ف. ۱۳۸۹. بررسی وضعیت تولید خرما در کشور. دفتر مطالعات زیربنایی مجلس شورای اسلامی ایران. قابل دسترس در: www.majlis.ir.
۹. طوطیایی، ع. و سلیمانی، ا. ۱۳۸۸. درباره اصلاح الگوی مصرف «کاهش ضایعات محصولات کشاورزی»، دفتر مطالعات زیربنایی مجلس شورای اسلامی ایران. قابل دسترس در: www.majlis.ir.
۱۰. طیب‌نیا، ع. و زندیه، ر. ۱۳۸۸. اثرات فرآیند جهانی شدن بر تورم در ایران. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳(۳۸): ۵۳-۹۶.
۱۱. فریادرس، و. ا. و مقدسی، ر. ۱۳۸۳. بررسی نظام تعرفه بخش کشاورزی ایران طی دوره ۱۳۶۱-۱۳۸۲. اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۴۸: ۱-۲۳.

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و دوم، شماره ۸۶

۱۲. محمودی، ا. و کاظم نژاد، م. ۱۳۸۳. بررسی حمایت کشورهای عضو OECD و ایران از بخش کشاورزی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۶: ۱-۳۹.
۱۳. نوری، ک. و یزدانی، س. ۱۳۷۹. جهانی شدن اقتصاد و آثار آن بر بخش کشاورزی ایران (مطالعه موردی برنج و خرما). مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی. دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۴. واعظی، ل. و یزدانی، س. ۱۳۸۶. بررسی وضعیت موجود حمایت مالی دولت از بخش کشاورزی و ارائه راهکارهای مناسب به منظور بهینه‌سازی حمایت‌های مالی دولت از بخش کشاورزی. مجموعه مقالات ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، ۸-۹.
۱۵. وزارت بازرگانی. ۱۳۸۷. دستورالعمل چگونگی حمایت از صادرات غیر نفتی.
۱۶. یزدان‌شناس، ل. زوار، پ. و آقاجانی، ز. ۱۳۸۸. اثر سیاست تعرفه‌ای بر قیمت داخلی گوشت مرغ و گوساله در ایران. مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی. ۱(۴): ۱۰۷-۱۲۴.

17. Cabanilla, L.S. 2006. Agricultural trade between the Philippines and the US: status, issues and prospects. Philippines Institute for Development Studies. 40 Pages. Available at: www.dirp4.pids.gov.ph.
18. Cakiroglu, O. 2009. Turkey raisin annual 2009. USDA Foreign Agricultural Service, GAIN Report. 6 Pages. Available at: www.gain.fas.usda.gov.
19. Cioffi, A. and Aquila, C. 2004. The effects of trade policies for fresh fruit and vegetables of the European Union. *Food Policy*, 29: 169-185.

20. Costa, C., Osborne, M., Zhang, X.G., Boulanger, P. and Jomini, P. 2009. Modeling the effects of the EU common agricultural policy. 88 Pages. Available at: www.pc.gov.au.
21. Deodhar, S.Y. 2005. Trade cost, trade policy and trade Volume: a study of Indian apple market. Indian Institute of Management Ahmedabad. 14 Pages. Available at: www.iimahd.ernet.in.
22. Deodhar, S.Y., Landes, M. and Krissoff, B. 2006. Prospects for India's emerging apple market. United States Department of Agriculture. 38 Pages. Available at: www.ers.usda.gov.
23. Gifford, R. and Serttas, S. 2009. Turkey tree nuts annual 2009. 23 Pages. Available at: www.gain.fas.usda.gov.
24. Goodison, P. 2011. EU's common agricultural policy (CAP): tools protecting European farmers. Analytical Note. 24 Pages. Available at: www.southcentre.org.
25. Götz, L. and Grethe, H. 2007. Does the entry price system restrict fresh fruit and vegetable exports from China to the EU? Contributed paper at the 2007 IATRC Summer Symposium in Beijing, China. July 8-9.
26. Griffith, M., Reichert, T. and Rice, T. 2006. A depreciating asset, too high a price, the implications of the decision to end EU export subsidies by 2013– and why dumping will continue. 15 Pages. Available at: www.actionaid.org.uk.

27. Hamilton, C. and Erkut, Y. 2010. Turkey citrus annual 2010. USDA Foreign Agricultural Service, GAIN Report. 7 Pages. Available at: www.gain.fas.usda.gov.
28. Ho, M.D. and Hanrahan, C.E. 2010. Agricultural export programs: background and issues. CRS Report for Congress. 21 Pages. Available at: www.nationalaglawcenter.org.
29. Huang, J. and Rozelle, S. 2002. China's accession to WTO and shifts in the agriculture policy. Department of Agricultural and Resource Economics, University of California Davis. Working Paper No. 02-002. 44 Pages. Available at: www.ageconsearch.umn.edu.
30. Huang, J., Zhigang, X., Rozelle, S. and Li, N. 2005. Agricultural trade Liberalization and poverty in China. Paper Submitted to Fifth Conference on the Chinese Economy CERDI, Clermont-Ferrand, France. October 21-22.
31. Jedel, S., Hau, A.M. and Von Oppen, M. 2003. An analysis of world market for mangos and its importance for developing countries. Conference on International Agricultural Research for Development. Gottingen, Germany, October 8-10.
32. Johnson, R. 2008. The U.S. trade situation for fruit and vegetable products. CRS Report for Congress. 20 Pages. Available at: www.unitedfresh.org.
33. Johnson, R. 2010. The U.S. trade situation for fruit and vegetable products. CRS Report for Congress. 19 pages. Available at: www.nationalaglawcenter.org.

- 34.Kawecka, E. and Rosati, D.K. 2003. The accession of central European countries to the European Union. United Nations Economic Commission for Europe. Occasional Paper No. 2. 60 Pages. Available at: www.unece.org.
- 35.Kerkela, L., Niemi, J. and Lehtonen, H. 2005. Trade and welfare implications for export subsidy abolition. 18 Pages. Available at: www.ifama.org.
- 36.Landes, M. and Burfisher, M.E. 2009. Growth and equity effects of agricultural marketing efficiency gains in India. United States Department of Agriculture. 43 Pages.
- 37.Malik, R.P.S. 2006. Indian Agriculture: recent performance and prospects in the wake of globalization. 31 Pages. Available at: www.nrlp.iwmi.org.
- 38.Maugu, L. K., Mwirigi, R., Maara, J. N. and Galo, N. 2013. The determinants of supply of Kenya's major agricultural crop exports from 1963 to 2012. *International Journal of Business, Humanities and Technology*, 3(5): 54-62.
- 39.Ministry of Agriculture, Livestock and Food Supply. 2008. Brazil agricultural policies. 31 Pages. Available at: www.cnpmf.embrapa.br.
- Movchan, V. and Eremenko, I. 2003. Measurement of non-tariff barriers: the case of Ukraine. Prepared for the Fifth Annual Conference of the European Trade Study Group (ETSG), September 11-13, Madrid, Spain.

40. Nelson, R. and Erkut, Y. 2010. Turkey fresh deciduous fruit 2010. USDA Foreign Agricultural Service, GAIN Report. 7 Pages. Available at: www.gain.fas.usda.gov.
41. OECD. 2003. Agricultural policies in emerging economies, monitoring and evaluations. 289 Pages. Available at: www.oecd.org.
42. OECD. 2007. Agricultural policies in emerging economies, monitoring and evaluations. Chapter 14: Turkey. Pages of 222-230, Available at: www.oecd.org.
43. OECD. 2009. Agricultural policies in emerging economies, monitoring and evaluations. 195 Pages. Available at: www.vti.bund.de.
44. Office of the United States Trade Representative. 2010. Turkey. 6 Pages.
45. Pesaran, M.H. and Shin, Y. 1999. An autoregressive distributed lag modeling approach to cointegration analysis. In S. Strom, ed. *Econometrics and Economic Theory in the 20th Century: The Ragnar Frisch Centennial Symposium*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
46. Rae, A., Zhong, F., Zhou, Y. and Geng, X. 2006. China's expanding role in global horticultural markets. Paper Presented at the New Zealand Agricultural and Resource Economics Society Conference. 25-27 August.

..... بررسی سیاست‌های مرزی

47. Roberts, D. and Krissoff, B. 2004. Regulatory barriers in international horticultural markets. United States Department of Agriculture. 11 pages. Available at: www.unitedfresh.org.

48. Shields, D. and Huang, S. 2004. China's fruit and vegetable trade. United States Department of Agriculture. 12 Pages. Available at: www.ers.usda.gov.

49. Siddiki, J. V. 2000. Demand for money in Bangladesh: a cointegration analysis. *Applied Economics*, 32: 1977-1984.

50. Wahl, T.L., Marsh, T.L., Wieck, C., Chouinard, H., Schotzko, T., Markosyan, A. and Josling, T.E. 2006. Specialty crops policy options and consequences: trade issues. 91 Pages. Available at: www.cissc.calpoly.edu.

51. WTO. 2009. Trade policy review, report by the secretariat European Community. Trade policy review body.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی